



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۲/۱۱/۱۵

یونس نگاه

آزادی های اجتماعی و علم پادزهر گرسنهگی

خبرهای چاپ پول افغانی، تسریع انتقال بسته های هفتهگی دالر، افزایش عواید مواد مخدر و بالا رفتن درآمد شاروالی ها و گمرکات با هشدارهای تازه از افزایش گرسنهگی، در حدی که زندهگی میلیون ها انسان را با خطر روبرو ساخته، همراه شده است. نهادهای بین المللی ارقام و اعداد ترسناک از تعداد گرسنهگان نشر می کنند. بازرس ویژه امریکا در امور بازسازی افغانستان (سیگار) اعلام کرده است که به طور تخمینی نزدیک به ۱۹ میلیون انسان در افغانستان با تهدید گرسنهگی مواجه اند. تصاویر و خبرهایی که روزانه از زندهگی مردم در شهرها و روستاها نشر می شود نیز بیانگر بحران شدید انسانی است. اکثر خانواده ها نمی توانند سه وعده نان خشک و چای در دسترخوان داشته باشند.

آن طرف، در اداره طالبان گروه کوچکی از زورمندان و بستهگان شان احساس پیشرفت و فراوانی می کنند. بندل های دالر را می شمارند، گراف عواید گمرکات را تعقیب می کنند، نرخ مالیات را افزایش می دهند و از دکاندار، کراچی وان و غرفه دار مبالغی را جمع آوری می کنند. برخی از آنان عواید میلیونی دارند و از فروش مواد معدنی، اخاذی، قاچاق و مواد مخدر سرمایه می اندوزند، خانه های تازه می خرند، زنان چندم می گیرند و محافل مجلل برگزار می کنند.

اگر طالبان به فرض محال، از حیفومیل آن مبالغ دست بردارند، بازهم تغییری در وضعیت معیشتی مردم نخواهد آمد؛ زیرا که این گروه لوکوموتیف رفاه را خاموش کرده است. جامعه بسته، بدون تحرک و مواجه با انبوه قیدهای سیاسی نمی تواند ظرفیت های درونی اش را پروراند، ابتکار به خرج دهد، امید داشته باشد و سرمایه گذاری کند. این چنین جامعه، به دهان های بلعنده ای تقلیل می یابد که اگر مبالغ هنگفت نیز در آن تزریق شود، انکشاف اقتصادی و رفاه بار نمی آید، بلکه در بهترین حال، گرسنهگی را چند صباح به تعویق می اندازد.

کسانی از میان طالبان در میزگردها ادعا دارند که آزادی با رفاه رابطه ندارد و از چین چون کشور تک حزبی و غیردمکراتیکی که رشد اقتصادی کم نظیر را تجربه کرده است، مثال آورده، استدلال می کنند که گویا افغانستان نیز می تواند زیر رهبری غیرانتخابی و نظام استبدادی طالب به رشد اقتصادی، ثبات سیاسی و اقتدار نظامی دست یابد. آنان نمی دانند که رشد اقتصادی چین محصول آزادی های اجتماعی و فرهنگی آن کشور است. حزب کمونیست چین بعد از جنگ جهانی دوم، سال ها در برابر محدودیت های اجتماعی که مانع تحرک جامعه می شد، از جمله محدودیت های فرهنگی علیه زنان و تقدیرگرایی مبارزه کرد و پوستین کهنه سنت را که اکنون گروه طالبان می کوشد ترمیم کرده به تن جامعه ما بدهد، با بی رحمی درید و در نو کردن جامعه به اقداماتی دست زد که برخی تاریخ نگاران آن را افراطی می خوانند. حاکمان چین دانش بشری و تجربه را مهم ترین ابزار پیشرفت و ارتقای جامعه اعلام کردند و تعلیم و تحصیل را تنها حق نه، بلکه مسوولیت اجتماعی خواندند. از این رو، پیشرفت اقتصادی چین و رفاه مردم آن کشور نتیجه استبداد نیست، بلکه محصول آزادی های اجتماعی است. قدرت چین از تقدیرگرایی و ملاسالاری آب نمی خورد، بلکه میوه تجربه گرایی و ارج گذاری به مکتب و دانشگاه است. چینی ها نیز فقیر، دچار تنش های داخلی، در معرض تجاوزات خارجی و گرفتار سنت های دست و پاگیر بودند. آنان از طریق دشمنی با زنان، لگدمال نهادهای تعلیمی و تحمیل تیوکراسی از شر آن تنش ها، تجاوزات و گرفتاری ها نجات نیافتند، بلکه با آگاهی از ظرفیت های آدمی برای تغییر محیط و علم باوری توانستند حتی در سایه استبداد سیاسی یکی از معجزه های تاریخ بشر را در عرصه علم و اقتصاد رقم زنند.

بدون علم باوری و در نبود آزادی های اجتماعی، تأمین رفاه و در نتیجه صلح و ثبات میسر نخواهد بود. هنوز دیده نشده است که کشوری با دعا، تقدیرگرایی و علم ستیزی از گرسنهگی نجات یافته و صاحب اقتدار شده باشد؛ اما بسیار دیده شده است که علم باوری و آزادی های اجتماعی حتی در نبود آزادی های سیاسی و فقدان حکومت انتخابی، باعث فراوانی و رشد اقتصادی شود.

د پانو شمیره: له 1 تر 1

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلپکنی د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکي په خير و لولي